



## گزارشی از بازداشتگاه پناهندگی ویلاوود در استرالیا

### فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سیدنی

در دیدار روز ۲۳ ژانویه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از بازداشتگاه پناهندگی ویلاوود، کلر یک پناهجوی فیجیایی و یکی از تظاهر کنندگان بالای سقف بازداشتگاه در ماه نوامبر سال قبل از ما خواست که خبر وضعیت او را بین مردم پخش کنیم.

مامورهای بازداشتگاه بعد از پایین آمدن از سقف مرا به بیمارستان روانی بنکستان برده و مرا برای یک هفته در آنجا بستری کردند.

من در حال حاضر فقط قرص های خواب مصرف می کنم بدون اینکه دکتر روانشناسی در اختیار من بگذارند تا ناراحتی های شدید روحی مرا معالجه کند. مامورهای بازداشتگاه مرا از روزی که با دو تظاهر کننده دیگر

## گفتگو نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در مورد موقعیت و شرایط اجتماعی پناهجویان و قضاوت در مورد آنها



عبدالله اسدی  
asadiabe@gmail.com

می گردانند و حتی شنیده می شود در بعضی از موارد کسانی که خودشان در دوره هایی فعال این عرصه بوده اند، تجارب تلخی از دوران فعالیت خود با پناهجویان ارائه می دهند و گاهی اوقات حاضر به هیچ نوع کمکی در این مورد نیستند.

شما که تاریخچه و تجارب بسیار بیشتری در این عرصه دارید چه قضاوتی در این مورد میکنید؟

ادامه در صفحه ۱۱

قضاوت های مختلف و متفاوت در مورد متقاضیان پناهندگی عنوان گفتگوی این شماره از نشریه همبستگی با عبدالله اسدی است.

همبستگی: موارد زیادی دیده و یا شنیده می شود که نسبت به متقاضیان پناهندگی در میان همان مردمی چند سال قنبر از همان کشور آمده اند و روزگاری خودشان پناهجو بوده و دارای همین موقعیت بوده اند ولی هنگامی که بحث کمک به پناهجویان به میان میاید سرشان را بر

## نامه دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه

### خطر استرداد یک فعال سیاسی از سوی دولت ترکیه به ایران

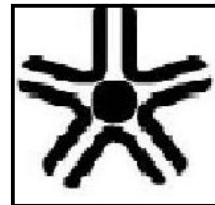
به وزارت کشور ترکیه

خطر استرداد یک فعال سیاسی از سوی دولت ترکیه به ایران

به اطلاع میرسانیم که روز جمعه ۱۸ ژانویه ۲۰۱۳ ایمان پیرداده یکی از فعالین سیاسی مخالف رژیم ایران که به قصد درخواست پناهندگی از یکی از کشورهای اروپای از ایران خارج شده بود در فرودگاه آتاترک در استامبول از سوی پلیس مرزی این کشور دستگیر و بازداشت گردید.

لازم به ذکر است که همسر ایمان پیرداده دو سال پیش از کشور نروژ درخواست پناهندگی سیاسی کرده و هم اکنون در نروژ زندگی می کند. خانم حدیث که بیرونند که خبر

## تصمیم به اخراج ۱۲ هزار پناهجوی پرونده بسته از سوئد!



خود بازگرداند. هم اکنون ۱۲ هزار پرونده که به درخواست پناهندگیشان پاسخ منفی داده شده است در دست اداره مهاجرت سوئد است. از این ۱۲ هزار پرونده، اداره مهاجرت تاکنون اسامی و پرونده ۷ هزار نفر از این افراد را جهت اخراج به کشورهای خود تحویل پلیس مرزی این کشور داده است.

تجارب ما در (فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی) در دفاع از حقوق متقاضیان پناهندگی نشان می دهد که انتشار خبر چنین تصمیمی برای اخراج دسته جمعی پناهجویان خبر تازه

طبق خبری که روز جمعه ۱۱ ژانویه در رسانه های سوئد منتشر شد؛ اداره مهاجرت این کشور تصمیم به اخراج ۱۲ هزار پناهجوی "غیر قانونی" از سوئد گرفته است.

بر اساس این خبر، آن دسته از متقاضیان پناهندگی که از آخرین مراجع پناهنده پذیر پاسخ رد دریافت کرده اند و پرونده هایشان به پلیس مرزی فرستاده شده است، لازم است به طور داوطلبانه کشور سوئد را ترک کنند در غیر این صورت پلیس مرزی این اختیار را دارد که با قاطعیت تمام آنها را به کشورهای



سپیده یادگار

سال‌ها پیش از مادرم پرسیدم :  
عشق چیست؟

گفت : عشق یعنی علاقه شدید  
قلبی بین دو انسان.

-همیشه در قلب ماندگار  
است؟

-نه بعد از اینکه روح سیراب  
شد به سمت جسم می رود تا آن  
را به تکامل برساند.

-پس هر انسانی حق سیراب  
کردن روح و جسمش را داراست؟

-برای دختران بعد از ازدواج.  
چون عشق بعد از ازدواج به  
وجود می آید.

-چرا فرقی دارد؟ اینجا هم زنانه  
- مردانه است؟ عشقی که در  
آمدنش تاخیر دارد به زور آمده  
اگر می خواست قبل از امضا  
تشریف می آورد.

-درسات تموم شده؟؟

\*\*\*

به عقیده اکثر خانواده های  
ایرانی عشق برای دختر بعد از  
ازدواج به وجود می آید و سکس  
قبل از ازدواج حکم اعدام دارد!  
سوال من اینست چگونه می  
شود بدون عشق و روش سنتی،  
ازدواج کرد و در عرض یک هفته

## عشق، زن، ناموس و جمهوری اسلامی

او را می زنند، می کشند و بعد  
هم اسمش را قتل ناموسی می  
گذارند؟ نه قتل ناموسی وجود  
ندارد. اسمش قتل يك جسم  
است. جسمی که می خواست  
آزادانه زندگی کند اما دیگر  
برای همیشه خوابیده. قتل  
روحیست که می توانست پرواز  
کند اما بالهایش را قطع کردند.  
قتل، قتل است ناموسی و غیر  
ناموسی ندارد. دادگاههای  
جمهوری اسلامی پسری را برای  
قتل ناموسی تبرئه و زنی را به  
اتهام رابطه داشتن با معشوقه  
اش سنگسار می کند. این است  
عدالت اسلامی.

آیا وقت این نرسیده که زنان  
جهان با صدایی رسا اعلام  
کنند:

این جسم من است و اختیارش  
در دست من است. نه می گذارم  
از آن سوا استفاده کنی نه می  
گذارم برایم حد تعیین کنی. من  
يك انسانم، عقل دارم، شعور  
دارم، پس کلاه خود را محکم  
نگه دار که باد نبرد نه دامن  
مرا!

نقش همسر خوب را برای شوهر  
رسمی اش اجرا کند و هم به قلب  
خود برسد. پس چه بهتر که از  
همان ابتدا هیچ تعهد دفتری  
وجود نداشته باشد و وقتی علاقه  
از بین رفت از زندگی یکدیگر با  
احترام کنار روند. نه عزیز من!



جوانان بی شرم وبی حیا نشده  
اند؛ آنها فهمیده اند. آنها در قرن  
بیست و یک می دانند؛ می  
خواهند تجربه کنند؛ می  
خواهند از احساساتشان مطمئن  
شوند.

دختران ایرانی دیگر نمی خواهند  
جنس مونث چشم و گوش بسته  
ای باشند که شب زفاف،  
همبستر مردی شوند که از  
شانزده سالگی سکس را تجربه  
کرده. حالا چگونه نقش همبستر  
خوب را برایش اجرا کند؟ اگر  
خوب نباشد چه می شود؟  
چیزی نمی شود. پس قانون چند  
همسری برای چیست؟ آنقدر زن

گاهی بیشتر و گاهی کمتر به  
آغوش مردی رفت که حال نام  
شوهر دارد؟!

به همین دلیل است که امروز در  
جامعه ایران جوانان به این نتیجه  
رسیده اند که سند ازدواج بدون  
عشق چیزی بیش از کاغذ دفتر  
مدرسه شان در پایان سال  
تحصیلی نیست. در تهران و  
اکثر شهرهای بزرگ شاهد  
افزایش ازدواجهای غیر رسمی  
هستیم.

چگونه شد؟ چه بر سر فرهنگ  
ایرانی آمد؟ چرا جوانان اینگونه  
بی شرم و حیا شده اند؟

چیزی نشده! فرهنگ ایرانی که  
زندگی انسان ها را زنانه -  
مردانه کرده است و زن را فقط به  
عنوان وسیله میبینند؟ آن  
فرهنگ در حال نابودیست دیگر  
چیزی به اسم مرد سالاری در  
جامعه جواب نمی دهد. تنها  
اتفاقی که در حال رخداد است از  
بین رفتن سنن قدیمی و غبار  
آلود و پیشرفت فرهنگ جامعه  
ایران است.

مردم در حال رشد فکری  
هستند. چرا باید احساسات خود  
را در چهارچوب ازدواج رسمی  
محدود کنند؟ که بعد ها به  
خیانت ختم شود؟ چرا خیانت؟  
چون زن مطلقه پیش خانواده  
پدري خود و جامعه جایگاه  
مناسبی ندارد. پس هم باید

### از این سایتها دیدن کنید

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

[www.cyoiran.com](http://www.cyoiran.com)

[www.iransolidarity.org.uk](http://www.iransolidarity.org.uk)

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

## قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست

## فرار از مذهب در ایران

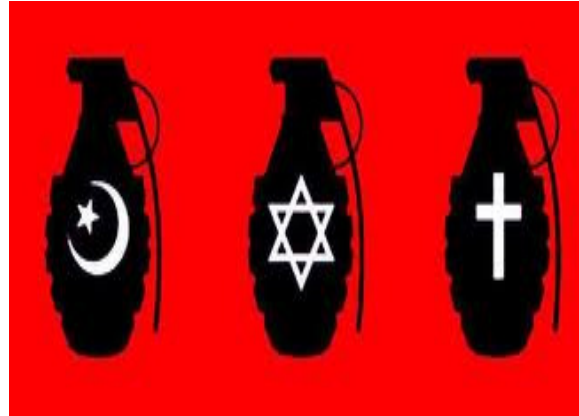


کیوان حسین نژاد

اگر به رفتارهای اجتماعی و روابط عام در جامعه امروز ایران نگاه کنیم، برخلاف آنچه تصور میشود که جامعه، رو به سوی مدرنیته فرهنگی و اجتماعی پیش می رود به جرأت می توان گفت طرز تفکر و تلقی جامعه از رفتارهای اجتماعی و جنسی که امروز در جوامع دیگر امری عادی محسوب میشوند، هنوز در گیر و دار قواعد دست و پاگیر و آموزه های عرفی و مذهبی آنچنان گره خورده که تنها با یک حرکت بزرگ و خودجوش، رهایی از آن ممکن است. مذهب یعنی حکومت قوانینی که بشر قادر به چون و چرا در آن نیست.

مذهب یعنی حکومت بر بشریت بی حق. مذهب یعنی اعمال خشونتبار و قوانین پوسیده و ضد انسانی بر کوچکترین زوایای زندگی اجتماعی و شخصی انسانها.

مذهب یعنی لگد مال کردن خونبار ابتدائی ترین حرمت های فردی و اجتماعی بشر یعنی اعمال آپارتاید جنسی، سرکوب ابتدائی ترین خواسته های نیمه از جامعه بجرم زن بودن است.



# IMAGINE



# NO RELIGION

مذهب امروز دستگاہ بردگی قرون وسطائی کارگران برای پر کردن جیب سرمایه دارهای اسلامی است.

جامعه ایران از تنفر مترکم شده است به سبب خشونت های چند لایه و پنهانی که حکومت جمهوری اسلامی علیه مردم می ورزد؛ ستمی که بر زنان، جوانان، نویسندگان، روزنامه نگاران، هم جنس گرایان، مهاجران و دیگر گروه های سرکوب شده جامعه می رود بذر کینه را در دل جامعه ایران می پروراند. با در نظر داشتن نقش و

نفوذ دین و یا ضدیت با دین (بی دینی) در ذهنیت حاکم بر جامعه و افق و خواسته های نسل جوان امروز کاملاً متفاوت است.

مذهب را با تمام زوایا و مختصاتش می شناسد؛ آنرا خوانده است اما نه برای آنکه اعتقادش به آنرا محکم کند؛ خیر برای اینکه به زمین بزندش. با هر بار مراجعه مجدد به مذهب آنرا بلند می کند و با شدت بیشتری به زمین میکوبد. این نسل دنبال آزادی و برابری و انسانیت است و راهش با مذهب

و دین جداست. جوانان این جامعه در قرن ۲۰ و ۲۱ به دنیا آمده در دنیای ارتباطات و اینترنت و ماهواره و این قانون و حکومت را که بر پایه و اساس قران و احکام پوسیده و ارتجاعی بوجود آمده است را نمی خواهد.

ضدیت این نسل جوان با مذهب در تمام جوانب زندگی اجتماعی و فردیش است، نگرشش به خودش، جهان پیرامون، به جنس مخالف، به معیارهای اجتماعی و به دنیای ایده آله هم، امروز زندگی ضد مذهبی دارند. این نسل از جوانان به این اعتبار، بشدت روند رو به رشد ضد مذهبی شدن دارند.

فاکتور جنبش عظیمی که علیه جمهوری اسلامی در جریان است را باید به کل این بحث اضافه کرد. این تحرك عظیم اجتماعی که رژیم اسلامی را در منگنه قرار داده است، به این جنبش مذهبی امکان می دهد.

ضدیت با مذهب را از دامنه عمل فرد خارج و مسئله جامعه تبدیل می کند انسانهای متحد احساس قدرت غیر قابل توضیفی می کنند. خود این صورت مسئله اجتماعی مبارزه ای برای سرنگونی رژیم اسلامی، احساس قدرتی عظیم برای مبارزه با مذهب را به جوانان می داده است. سرنگونی جمهوری اسلامی دروازه های را علیه مذهب می گشاید.

**به فدراسیون  
سراسری  
پناهندگان  
ایرانی کمک  
مالی کنید**

Plusgiro  
200974-4

**همبستگی از آن  
دسته از دوستانی که  
مطالبشان در این  
شماره به چاپ نرسید  
پوزش میخواهد. در  
شماره بعدی مطالب  
ارسالی شما عزیزان  
منتشر خواهد شد.**

تماس با

نازنین صدیقی سردبیر همبستگی  
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۹۱۴۰۷۲

[nazmoa@msn.com](mailto:nazmoa@msn.com)

Facebook: NazaninSeddigh

**مسئولیت مقالات  
مندرج در نشریه  
همبستگی با  
نویسندگان  
آنهاست. درج  
مقالات در این  
نشریه به معنای  
تأیید مضمون آنها  
از سوی نشریه  
همبستگی نمیشود**

**به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بپیوندید**





ساناز محمدی

## گسترش روند طرح های تبعیض آمیز علیه زنان در ایران

زنان در سالهای اخیر با تغییر سبک زندگی‌شان و حضور فعال در سطح اجتماع، نظام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده‌اند و این موضوع سبب شده تا حکومت به بهانه استحکام خانواده، زنان را به پذیرش نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای رایج بازگرداند. طرح‌هایی چون تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها، کاهش اشتغال زنان، کاهش سهمیه زنان در دانشگاه‌ها و برخی رشته‌ها همگی نشانه‌هایی از اعمال قدرت حکومت بوده که سعی می‌کند با ایجاد تغییر در عرصه‌های عمومی، مردسالاری را در عرصه‌های خصوصی نیز مستحکم سازد و با اعمال محدودیت‌ها زنان را از بازار کار بیرون کرده و آنها را در موقعیت‌های پائین‌شغلی و اجتماعی نگه دارد. همچنین با اقدامات دیگری نظیر بحث چند همسری، ازدواج موقت، تعیین حد و سقف برای مهریه، تبلیغ ازدواج در سن پائین، شرایط مطلوب مردسالاری را افزایش داده و حقوق زنان را بیش از پیش نادیده گرفته است. با توجه به وضعیت کنونی ایران، در آینده نه‌چندان دور شاهد افزایش سطح خشونت‌های خانگی و کاهش اعتماد به نفس زنان خواهیم بود، مسئله مهمتری که

نظام جمهوری اسلامی کوچکترین توجهی به آن ندارد چرا که زن در ایران جایگاهی ندارد و محکوم به زندگی همچون بردگان است، قرار گرفتن در جایگاه جنس درجه دوم، بی حقوقی مطلق سیاسی و اجتماعی، توهین و تحقیر روزمره و سرکوب صدای هر اعتراض، او را تبدیل به آسیب پذیرترین قشر جامعه کرده است. تنگ شدن عرصه‌ی زندگی بر زنان پیامدهای قابل توجهی در پی خواهد داشت که بر تربیت و رفتارهای آتی کودکان نیز تاثیرگذار خواهد بود.

احساس عدم امنیت اجتماعی، نیازمندی به پشتیبانی و مراقبت به جهت ترس از خشونت‌های مختلف، ایجاد اختلال در روابط سالم اجتماعی، تبدیل نیروهای انسانی به موجوداتی رنجور و ناتوان، نهادینه شدن احساس دائم عدم اطمینان و بی اعتمادی اجتماعی، غیبت از کار و کاهش بهره‌وری، ایجاد هزینه‌های سرسام‌آور درمان و... همگی از جمله پیامدهای ناگوار رفتارهای تبعیض آمیز حکومت علیه زنان در سطح اجتماع می‌باشد که نسل آینده را تربیت خواهند نمود و این هدیه حکومت ظالم جمهوری اسلامی به آینده تاریخ ایران است. همبستگی زنان ایرانی در

اعتراض علیه ظلم و ستم نظام زن ستیز و مرد سالار جمهوری اسلامی است تا فردای ایران به روشنایی روز آزادی باشد. زنان آگاه ایران دیگر سایه مردان نخواهند بود و به عنوان زنانی مستقل اعتراض خود را با تمام وجود اعلام کرده و خواهان دستیابی به حقوق برابر می‌باشند. امروز زمانی است که ما زنان باید برای رسیدن به حقوق از دست داده مان بجنگیم و این صدای ماست که ما را از موجوداتی تحت سلطه مردان به زنانی آزاد تبدیل می‌کند.

مبارزه ما برای دست یافتن به حقوق پایمال شده مان نوعی هویت بخشیدن به خود می‌باشد، جایگاه خود را در حوزه‌های مهم اقتصادی و اجتماعی باز پس بگیریم و اثبات کنیم که ما هم انسانیم و حق زندگی آزادانه را داریم. این مهم بر من ثابت شده که راه مبارزه تنها مسیری است که زنان آزادی خواه و برابر طلب را به جایگاهی در خور و شایسته شخصیت خود خواهد رساند و در این راه، مبارزه گروهی ما را به سر منزل مقصود می‌رساند. علیرغم سرکوب دائم حقوق زنان و فعالین این جنبش، مقاومت زنان بشکلی گسترده ادامه دارد و سهم شما برای آینده دختران سرزمینمان همراهی است پس

بباید با مشت محکم به دهن قانون شکنان، قانون سازان زن ستیز و اسلامگرایان مرد سالار بگوییم، شما را دعوت میکنم تا با تعهد و همراهی قوانین اسلامی مرد محور را تغییر دهیم، بیاید دنیایی بسازیم که عاری از خشونت و کلیشه‌های سنتی باشد، بیاید سرکوب خفقان زن را به آزادی و برابری تبدیل نمائیم. بدون شك قدم گذاشتن در این مسیر شامل دشواریهایی خواهد بود ولی با هم و همصدا بودن مسیر را هموار خواهد کرد و به یاد داشته باشیم که رسیدن به برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در گرو آشنایی هر چه بیشتر با حقوق واقعیمان می‌باشد. تلاشم بر این است تا در شماره‌های بعدی راجع به تمامی حقوق زنان بنویسم و امیدوارم همراه من باشید. بخشی از مباحثی که در شماره‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت به شرح زیر می‌باشد:

- نگرش دین و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به زنان
- حق زنان بر جسم خود
- حق زنان در ازدواج
- حق زنان در طلاق
- اشتغال و جایگاه اجتماعی زنان
- تبعیض جنسی در قانون مجازات اسلامی
- دسترسی زنان به مقام‌های

رهبری و تصمیم‌گیری  
- مقایسه قوانین ایران و اسناد -  
- بین‌المللی در خصوص حقوق زنان

- و مسیر مبارزه برای حل مشکلات حقوقی زنان در ایران  
"آگاهی کلید موفقیت ماست"

از سایت فدراسیون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی دیدن کنید.  
در این سایت در مورد  
قوانین مهاجرتی  
کشورهای اروپایی  
اطلاعات بسیاری  
موجود است. شما  
پاسخ بسیاری از  
سؤالات پناهندگی  
خود را در این سایت  
خواهید یافت

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)



we have renounced  
religion!

Ex-Muslim expresses itself in  
words

<http://ex-muslime.com>

## اقدام رژیم به از بین بردن زندانها، پاک کردن آثار ۳۴ جنایت و کشتار آزادیخواهان



سعید آریابور

وقتی صحبت از اوین میشود خواه ناخواه کسی یاد درکه نخواهد افتاد و خوش گذرانی و ... بلکه به نوعی ترس وجودش را سرتا پا خواهد گرفت!

صدای خیلی از زندانیان سیاسی، خیلیها و خیلیها درون اوین خاموش شدند تنها اوین بلکه قزلحصار، بلکه زندان گوهردشت کرج ووووووووو، که بیانگر دوران سیاه کشتار و قتل زندانیان سیاسی از هر رنگی بوده، از دیروز تا امروز!

راهروهای مرگ معروف درون زندان که زندانیها میرفتند ولی هرگز دیگر خبری از برگشتشان نبود! اعدامهای روزانه و دسته

جمعی که آقایان خود را نماینده خدا میدانستند و اینگونه صداها را که همراهشان نبود و به نوعی افکار با عقل جلو میرفت را خاموش میکردند، در خفا و در خفقان کامل!

صحبت پول بزرگ است و از بین بردن آثار جنایت؛ هموطن آگاه باش!!!!

یکی از برنامه‌ها و طرح‌های رژیم منفور جمهوری اسلامی در سالهای اخیر این است که از زندانها پارک و بوستان بسازد...

سپاه پاسداران خیلی وقت است بدنبال از بین بردن نشانه‌های کشتار توسط رژیم میباشد. میگویند: میخوانند زندان اوین را خراب و جایش پارک و موزه و چه و چه بسازند که هم با این ترفند زمین گران را صاحب

شوند و هم به نسل جدید مسائلی با ابعاد دیگر جلوه دهند. مثلاً در موزه مجسمه‌های که و که از خامنه‌ای گرفته تا ... بگذارند.

و در سلولهای بظاهر ساخته شده اینها را گذاشته و بگویند فلان آخوند در اینجا بوده و یا فلان شخص اینجا شکنجه میشده و صحبت از جنایت و شکنجه علیه رژیم شاه کنند!

مردم چرا بیسیدار نمیشوند؟؟؟؟؟؟؟؟

جنایاتی که این حکومت بیشمر کرده و فقط تعداد کشتار بهاییهایی که حتی در کار سیاسی نبوده اند و فقط بخاطر اعتقاداتشان کشته اند حتی بیشتر از اعدام‌های زمان شاه است!

ببینید پست فطرتی حکومت تا کجا!!!، وقاحت تا کجا، ذالت تا کجا، بیشرافی تا کجا!

مردم باید هوشیار باشند و سیاسیون هم همینطور نباید گذاشت که این ننگ توسط اینها از صفحه روزگار رژیم پاک شود همانطور که خاوران اینگونه نشد ..

اینها میخواستند جنایاتشان در خاوران را هم از بین ببرند. رفتند و درخت کاشتند اما کسانی بودند که با نشان دادن عکس‌ها از خاوران دست این بیخردان را رو کرده و به جامعه جهانی و مردم نشان دهند پس مردم ایران آگاه باشند نسبت به کارهای شیطانی این رژیم! براستی که خود شیطان در آن سرزمین حکومت میکند.

من و ما (مردم ایران) باید صدای آن کشته شدگان باشیم و هرگز نگذاریم رژیم منفور و جنایتکار جمهوری اسلامی این فجایع انسانی را از بین برده و فردا تاریخ را به نسل جدید جور دیگر جلوه دهد..

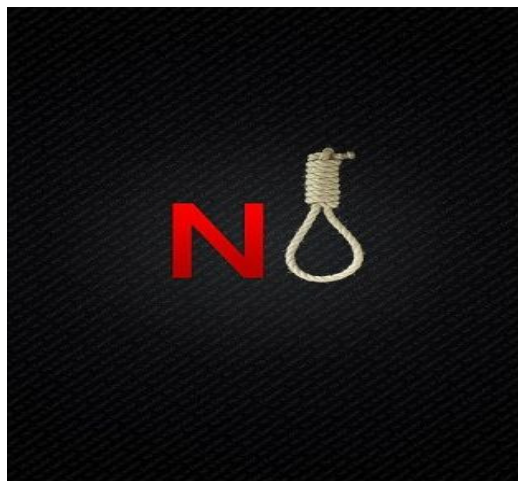
من از تمام کسانی که در عرصه سیاسی قدم برمیدارند علیه رژیم جمهوری اسلامی عاجزانه خواستارم نه من بلکه مردم ایران، که با نشان دادن حقایق نگذارند که خون کشته شدگان راه آزادی و صدای این زندانیان سیاسی هرگز خاموش شود..!

با درود و سپاس از همه مردم ایران و مبارزان علیه حکومت منفور جمهوری اسلامی و یک ایران سپاس از تمامی شما با مهر و سپاس از همگی شما

است اعدام برای زهر چشم گرفتن از توده‌های تحت ستم ذاتی جوامع طبقاتی است.

جمهوریاسلامی در طول مدت حکومتش با جنایتهایش سابت کرده است در جهت حفظ قدرت از هر جنایت و سرکوبی دریغ نمی‌کند. به همین دلیل تنها راه رهایی از این اوضاع وخیم و اسفبار نابودی کل رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی است.

نابود باد جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم



اعدام با ماهیت رژیمهای فاشیستی چون جمهوری اسلامی تنیده شده است و همانطور که مارکس اندیشمند بزرگ تاکید کرده

و رژیم حامیشان یعنی جمهوری اسلامی بتوانند مدت زمان بیشتری مردم ایران را استعمار و غارت کنند به همین دلیل است که

خودش فضای رعب و وحشت را هر چه بیشتر در سرتاسر کشور حاکم و مانع از گسترش مبارزات مردم گردد.

هدف از همه این اقدامها زهر چشم گرفتن از مردم ستم دیده در جهت حفظ سیستم فاشیستی سرمایه داری حاکم نکه بی شک با هزار رشته به سرمایه داری امپریالیستی در سطح جهان وابسته است می باشد هدف ان است که با ایجاد فضای ترس و وحشت در میان توده‌های مردم ما سرمایه دارن ایرانی و خارجی



احسان مظفوری

آمار اعدام در جمهوری اسلامی رویه فزونی است و رژیم بی رحمانه و بیشرمانه به شکنجه و اعدام زندانیان به اتهام مهاریه و فساد فی الارض و اقدام علیه امنیت ملی می پردازد. هدف رژیم از این جنایتها به خیال



## خطر دیپورت ایمان پیر داده از ترکیه به ایران متوقف شد

و بسیاری از سازمانهای مدافع حقوق پناهندگان در سطح بین المللی و بیش از ۳۰ رسانه خبری در ترکیه ارسال شد.

خوشبختانه روز پنجشنبه هفتم فوریه ایمان نامه دفتر UNHCR (یونان) را دریافت کرد و با دریافت این نامه حکم اخراج وی متوقف شد و از این سازمان درخواست پناهندگی سیاسی کرد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی این موفقیت را به ایمان پیر داده و همسرش حدیث بیرواند و فعالین فدراسیون تبریک می گوید. همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

باید متوقف شود. فدراسیون در آن نامه مشخصا از دفتر سازمان ملل در ترکیه خواست بنا به مسئولیت و اختیاراتی که در قبال جان و زندگی پناهندگان دارد در اسرع وقت برای جلوگیری از استرداد پیمان پیر داده به ایران اقدام کند. لازم به ذکر است که نامه سرگشاده فدراسیون همزمان برای دفتر مرکزی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ژنو

جلوگیری به عمل آورده و به او اعلام کرده بود باید ایمان به ایران دیپورت شود. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به محض دریافت این خبر، به تاریخ ۱۸ ژانویه طی نامه ای از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و وزارت کشور ترکیه خواست که بدلیل خطر مجازات وی از سوی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی حکم اخراج وی فوراً

پناهندگان ایرانی رسیده بود، پلیس ترکیه تصمیم گرفته بود ایمان پیر داده را به ایران دیپورت کند. ایمان از هنگامی که بازداشت شده در تلاش بوده تا با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آنکارا تماس بگیرد و از این سازمان درخواست پناهندگی کند. اما پلیس از تماس و درخواست پناهندگی وی از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل

همانطور که قبلا به اطلاع رسانده بودیم روز جمعه ۱۸ ژانویه ۲۰۱۳ ایمان پیر داده یکی از فعالین سیاسی مخالف رژیم ایران که به قصد درخواست پناهندگی از یکی از کشورهای اروپای از ایران خارج شده بود در فرودگاه آتاترک در استانبول از سوی پلیس مرزی این کشور دستگیر و بازداشت گردید. بر طبق اطلاعاتی که به دفتر مرکزی فدراسیون سراسری

میتوان در محور های زیر خلاصه کرد:

۱- سوریه در سالهای پس از به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ از سوی خمینی و جریان اسلامی، عملا به نزدیکترین متحد عربی جمهوری اسلامی در ایران تبدیل شد.

۲- روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی در راه اندازی و تقویت و گسترش اسلام سیاسی همیشه ادامه داشته است.

۳- به علاوه سوریه بعد از انقلاب همیشه در مخالفت با اسرائیل در کنار جمهوری اسلامی برای بوده است.

این جنایتکاران فقط برای حفظ نظام اسلامی به مسند قدرت تکیه داده اند و برای حفظ آن دست به هر جنایتی هم می زنند.

اراده و اعتقاد راسخ دو ملت توطئه های نظام استکبار را خنثی خواهد کرد. از طرفی به فرمان خامنه ای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ سپاه پاسداران به سرکوب و کشتار مردم پرداخت، مردمی که فقط خواهان آزادی بودند با سر نیزه، شلیک گلوله، پرت کردن از ارتفاع، زیر گرفتن با وانت، شکنجه و تجاوز در زندانها سرکوب شدند. مردمی که به خاطر آزادی و آسایش و رفاه و یک زندگی بهتر به خیابان آمده بودند یک دفعه به آنها مارک آشوبگر زدند.

رژیم جنایتکار اسلامی به جنایتکاری دیگر مثل خود دست دوستی میدهد و در جهت سرکوب مردم از آن حمایت مالی و نظامی می کند. از طرفی دیگر اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی و دلایل حمایت از آن را

## روابط ایران و سوریه

برایش جذابیت زیادی به همراه داشته و این در حالی است که کشته ها در سوریه دل هر انسانی را به درد می آورد. این کشتارها مانعی نیست تا رهبران جمهوری اسلامی از پشتیبانی حکومت سوریه دست بردارند. علی لاریجانی رئیس مجلس هم اعلام کرده: "هیچ امری نمیتواند مانع از حمایت همه جانبه از سوریه شود."

احمدی نژاد در دیدار با وائل الحلقی نخست وزیر سوریه بر آرمانها و دشمنان مشترک نظام جمهوری اسلامی و دولت سوریه تاکید کرده و گفت: دشمنان ما امروز برای ضربه زدن به هر دو کشور برنامه ریزی کرده اند اما

در مقابل دشمنی چون اسرائیل قرار دارد همواره به یک حمایت استراتژیک در منطقه نیاز دارد و تجربه نشان داده است که تنها ایران میتواند این حمایت را از سوریه انجام دهد. رقم کنونی مبادلات دو کشور حدود ۷۰۰ میلیون دلار اعلام شده و اعلام کرده اند تا سه سال آینده به دو میلیارد دلار هم خواهد رسید.

رئیس مجلس جمهوری اسلامی از حمایت همه جانبه از حکومت سوریه در هر شرایطی صحبت کرده و احمدی نژاد هم از ایستادگی بشار اسد و ادامه سرکوب مخالفان حمایت کرده است. ظاهرا پیدا کردن یک قاتل همانند خودش



مجید منظوری

اوضاع سوریه روز به روز نگران کننده تر میشود در حالیکه هر روز اجساد زیادی در سوریه کشف میشود و جنایتهای بشار اسد مشخص و مشخص تر، روابط ایران و سوریه نیز گرم تر و گرم تر میشود.

در حالیکه غربی ها گفته بودند در صورت افزایش فشارها بر سوریه مجبور خواهد شد روابطش با ایران را کاهش دهد چنین چیزی اتفاق نیفتاد بلکه بر عکس باعث نزدیکی روابط این دو کشور شد. کشوری مانند سوریه با توجه به این که



مهدی هوشمند

را بر دوش جامعه گذاشته است. یکی از مهمترین آنها در بعد کلان، افزایش فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی است. اینها همه از برکت و عارضه های یک حکومت دینی و مستبد و بی ربط به منافع مردم است.

برطبق نظر و تعریف بانك جهانی، فساد سوء استفاده از اختیارات دولتی و قدرت برای كسب منافع شخصی و خصوصی يك دليل عمده فساد اداری در ایران است. کاری که دولت ایران به راحتی انجام داده است و به هیچ عنوان پاسخگو نبوده.

نظام اداری در ایران بسیار نا کار آمد است انواع بی نظمی به اشکال گوناگون ظهور میکنند. حتی تمام قوانین و مقرراتی که خودشان تصویب کرده اند را به آسانی زیر پا می گذارند.

پیچیدگیهای بیش از حد، بی توجهی به دستورات مقامات رده بالا، ضعف نیروی انسانی، سازش کارگزاران دولتی با افراد گروههای با نفوذ، شالوده های سست و نامتناسب سازمانی، انحصار مشاغل، ضعف سیستم مدیریت و در نهایت این بی نظمی ها روی یکدیگر تاثیر گذاشته و یکدیگر را تشدید

مهمترین عامل بوجود آمدن فساد اداری بزرگ شدن دولت است. با وجود اینکه جامعه ایران يك جامعه مذهبی "تلقی" می شود ولی درمیان همان مردم دینداری هم در آن به پدیده ای بسیار زشت و بی خاصیت تبدیل شده است. به همین دلیل مبارزه با دینداری در سطح قدرت و حکومت به يك مبارزه روزمره برای شخصی و خصوصی کردن آن بویژه در خود ایران به فکر و شعور مردم تبدیل شده است. تاریخ نشان می دهد هر کدام از جوامع بشری که اسلام و مذهب بر آن حاکمیت داشته، کم و بیش مثل موقعیتی بوده که ما در ایران داریم.

ما باید هر روزه شاهد شیوع فساد در جامعه باشیم و متأسفانه این مسئله به طور کلی جلوی پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و هنری و پیشرفت های فرهنگی را بسته و در عین حال هزینه های هنگفتی

## فساد اداری در دولت اسلامی



کشور خارج شده که ریش بانك مرکزی این مسئله را تکذیب کرده. اینها حاکی از فساد دولتمردان ایران است که سیستم اداری ایران را مستعد فساد کرده اند. آقای احمدی نژاد بارها حتی اجازه نداده که قوه قضائیه وظیفه قانونی خود را در مقابل عده ای انجام دهد که افرادی نالایق و طمعکار هستند. از اول انقلاب اختلاسهای دیگر هم انجام شده. ریشه اختلاس در پاسخگو نبودن دولت است.

مبارزه با فساد با شعار دادن محقق پیدا نمی کند چرا دزدها و پول به جیب زندها در میان مسئولین بالای حکومت چنان زیاد شده که همه چیز را به هم ریخته و حساب و هیچ کتابی را برای کسی باقی نگذاشته است.

این وضعیت و این بیماری که زندگی میلیونها نفر از مردم ایران را تحت تاثیر گذاشته است فقط باید از ریشه خشکانده شود. جمهوری اسلامی نه قادر به حل آن و نه میخواهدان کار را انجام بدهد. زیرا ریشه فساد از خود سران جمهوری و نحوه هایشان شروع شده و به اینجا کشیده شده است. دولتمردان به جای خدمت به کشور و مردم خیانت را پیشه کرده اند.

\*\*\*\*\*

میکند. در کشور ما حاکمیت روابط به جای ضوابط و حامی پروری و خویشاوند نوازی حکومت میکند. تاسیس شرکتهای جدید دولتی از عوامل دیگری است که هزینه های دستگاه اداری را به شدت افزایش داده و به گسترش فساد اداری کمک میکنند. مثلاً کشف اختلاس بزرگ ۳ هزار میلیارد تومانی از بانکهای ایران که نتیجه همین فساد اداری است.

درباره این اختلاس بزرگ سخنان متناقضی از طرف دولت زده شد. این صحبتها واکنشهای منفی زیادی در جامعه داشت. حدود دو هزار میلیارد تومان از این مبلغ های اختلاس شده از

میکند. در کشور ما حاکمیت روابط به جای ضوابط و حامی پروری و خویشاوند نوازی حکومت میکند. تاسیس شرکتهای جدید دولتی از عوامل دیگری است که هزینه های دستگاه اداری را به شدت افزایش داده و به گسترش فساد اداری کمک میکنند. مثلاً کشف اختلاس بزرگ ۳ هزار میلیارد تومانی از بانکهای ایران که نتیجه همین فساد اداری است.

این اختلاس زمینه درگیری بین دو جناح اصولگرایان شد. در این اختلاس هفت بانك دخیل بودند. رقم اختلاس در سال ۸۸ کمتر از ۸۰ میلیارد تومان، در

برای کسب اطلاعات و چگونگی حمایت از این پناهجو با نظری با شماره ۰۴۱۳۴۶۷۲۴۳ تماس حاصل نمایید.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

که سرکو و ماموران بازداشتگاه او را می شناسند. او از هیچ چیز نمی ترسد و می خواهد تا وضعیت او و رفتارهای غیر انسانی نسبت به او در بازداشتگاه علنی شود.

نمی شنود. کلر بما گفت که در يك مرحله، او به دليل برخوردهای بد ماموران خشمگین شده و به انگشت خود در نتیجه مشت زدن به دیوار صدمه رسانده است. کلر بما گفت

خودم در قسمت زنان. کلر در دیدار با ما در بازداشتگاه گفت که او مکرراً از "سرکو" شرکت اداره کننده بازداشتگاه می پرسد که چرا این چنین مورد عذاب قرار می گیرد اما هیچ پاسخی

### ادامه گزارشی از ...

از صفحه ۱

از سقف پایین آمدم، از همسر جدا کرده اند. همسر در بازداشتگاه ۳ بسر می برد و من



## ادامه تصمیم به اخراج

...  
از صفحه ۱

ای نیست؛ اداره مهاجرت سوئد هرساله چنین خبری را منتشر می کند و در میان پناهجویان به یک جنگ روانی دامن می زند.

طرح اخراج پناهجویان "غیرقانونی" تنها طرح دولت سوئد برای اخراج پناهجویان پرونده بسته نیست. این طرحی است که اتحادیه اروپا حدود چهار سال است که مشغول به اجرای آن می باشد و برای پیشبرد پروسه اخراج ۸ میلیون پناهنده و مهاجر "غیر قانونی" که قرار بود تا پایان سال ۲۰۱۰ از اتحادیه اروپا اخراج شوند، خوشبختانه تا پایان سال ۲۰۱۲ در هیچ کدام از کشورهای اتحادیه اروپا از جمله در سوئد در این

زمینه کوچک ترین موفقیتی بدست نیامدند. اما این دسته از پناهجویان و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگان نباید این طرح و این تصمیمات را غیر جدی و دست کم تلقی نمایند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی توجه این دسته از پناهجویان را به نکات زیر جلب می کند:

۱- بسیاری از پناهجویان برای مشورت در مورد نحوه بازگرداندنشان به کشورهای خود از پلیس مرزی نامه دریافت می کنند. تجربه نشان داده که بسیاری از این پناهجویان هنگام مراجعه به پلیس در همانجا بازداشت می شوند. پناهجویان باید در این مورد هوشیار باشند که در صورت مراجعه یک تا دو نفر از بستگان و یا دوستان خود را به همراه داشته باشند. چنانچه تا آن هنگام

تماس شما با اداره مهاجرت قطع بوده است از پلیس بخواهید که ارتباط شما را با اداره مهاجرت برقرار کند تا شاید امکان یک بررسی دیگر را پیدا کنید.

۲- به هیچ وجه قول همکاری در زمینه بازگشت به کشور خود را به پلیس ندهید در عین حال به آنها وانمود نکنید که در صدد زندگی مخفی و یا فرار به کشور دیگری هستید. چنانچه تا آن زمان مدارک جدیدی دال بر اینکه در صورت بازگشت به ایران با خطر بازداشت و مجازات سنگین مواجه می شوید، پلیس را از آن مطلع سازید.

۳- هنگام مراجعه چنانچه وکیلان در صورت بازداشت کاری برایتان انجام می دهد و از رفتنشان به پلیس مطلع کنید و اگر مدارک جدیدی دارید در اختیار وی قرار

دهید. از قبل پرونده و کلیه مدارکتان را در اختیار فرد مطمئنی بگذارید که در دسترس باشد. اگر دارای فرزند زیر سن قانونی هستید هنگام مراجعه به پلیس آنها را به خویشاوندان و یا دوستان نزدیکتان بسپارید. این هم یکی از راههای جلوگیری از بازداشت و دیپورت است که بدون فرزندان به راحتی نمی توانند والدین را بازداشت و اخراج کنند. از قبل مسئولین فدراسیون را از رفتن به پلیس با خبر کنید.

فدراسیون تنها در صورتی اقدام به اعتراض و جلوگیری از اخراج پناهجویان بازداشتی می کند که شخص پناهجو خودش بخواهد و حاضر باشد که کلیه پرونده و مدارکش را در اختیار مسئولین این سازمان قرار دهد. علاوه بر

رعایت نکات فوق، لازم است که متقاضیان پناهندگی از همان روز اول درخواست پناهندگیشان، در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تقاضای عضویت بکنند و برای دفاع از حقوق پناهندگی خود در این سازمان متشکل شوند. مبارزه متشکل برای پناهجویان بهترین راه حل برای تضمین و تثبیت زندگی آنهاست.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد

**نشریه  
همبستگی  
هر دو هفته  
یکبار منتشر  
میشود**

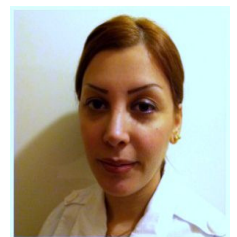
عناوینی همچون حفظ حریم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن و همچنین به گناه افتادن مردان و امنیت خود زنان تعریف می شود. به تعبیر مدافعان برخورد با بدحجابی، حجاب را نمی توان یک مسئله کاملاً شخصی دانست.

در درون خانه، هر فردی حق دارد هر لباسی را بپوشد ولی بیرون از خانه دیگر مسئله شخصی نیست. از طرف دیگر، این دسته از موافقان برخورد حکومتی با

## از امر خصوصی تا حجاب اجباری

حساب می آید و نوع پوشش و انتخاب آزادانه آن، همچنان مشکل بسیاری از شهروندان و تعریف نشده باقی مانده است. تاکید نظریه پردازان حکومتی این است که "حدی از حریم خصوصی قابل قبول است و معلوم است که در حریم خصوصی، افراد حق دارند حساب می آید و نوع پوشش و انتخاب آزادانه آن، همچنان مشکل بسیاری از شهروندان و تعریف نشده باقی مانده است. اما تاکید نظریه پردازان حکومتی این است که "حدی از حریم خصوصی قابل قبول است و معلوم است که در حریم خصوصی، افراد حق دارند

اساس آن دیگران آسیب می بینند و به "گناه" می افتند. این در حالی است که مسئله عدم دخالت دولت ها در امور خصوصی مردم یکی از ارکان دموکراسی به حساب می آید و استقلال حوزه خصوصی از تسلط دولت ها، یکی از نشانه های جامعه آزاد و دموکرات است. با این حال به دلیل پذیرفته نشدن حوزه خصوصی در ایران، مسئله حجاب یک موضوع عمومی به



ملیحه سرور

از نظر حکومت ایران، مسئله رعایت حجاب یک امر شخصی نیست و موضوعی عمومی محسوب می شود. به این معنا که رعایت نکردن حجاب، پدیده ای تعریف می شود که بر

**حق پناهندگی یک حق جهانشمول است**





فواد محمدی

## سازمان اطلاعات و مواد مخدر

سال اخیر ایران رکورد دار اعتیاد در جهان شود...!

لازم است سازمانهای (ان جی او) که در این زمینه برای پیشگیری فعالیت می کنند خود را خسته نمایند و کمی منطقی تر به موضوع بنگرند. هر انسانی تلاش بر این دارد که مبتلایان به این مرضی را نجات دهند؛ اما عزیزی که در (ان جی او) چند سال است که در این زمینه بحث می نمایند لازم است کمی واقعینانه تر قضیه را دنبال کنند چون خود سازمان اطلاعات و سردمداران حکومتی اند که زحمت پخش مواد مخدر را به عهده گرفته اند.

به امید روزیکه اعتیاد در جهان ریشه کن شود. روزنامه نگار آزاد: فواد محمدی

قبال آن آمار اعتیاد نیز افزایش پیدا می کند و این ارتباط مستقیمیست که در آخر به افزایش اعتیاد منجر می شود. متأسفانه در دانشگاه ها و مدارس هم به سبب آن که فریاد آزادی و انقلاب تازه ای از آنها سرزند بیشترین حالت اعتیاد به چشم می خورد و کار به جایی رسیده است که در خوابگاه های دانشجویی انواع مواد مخدر موجود است.

یکی دیگر از سیاست های پلید حکومت ایران، استفاده از مخدرات برای اعترافات زندانیان می باشد و در احکام سیاسی عملاً آشکار می باشد؛ حتی در بیشتر موارد مجرم خودش اشاره بر آن دارد که به اعتیاد واداشته شده است.

البته این قضیه فقط گریبانگیر زندانیان سیاسی نمی باشد بلکه به طور برنامه ریزی شده ای اغلب زندانها و زندانیهارا اینچنین خنثی می کنند و بعد از آزادیشان به خیابانها و گوشه جدولها، بدون اراده خودشان کشانده می شوند.

از طرفی ایران بحث از ستاد مبارزه با مواد مخدر و توانمند سازی سازمانهای غیر دولتی (ان جی او) های فعال به نام (غیرحکومتی) که قشری از افراد بی طرفند، ظاهراً بی اطلاع از این واقعیتند و چگونه قابل هضم است که تنها در چند

دیگر کسی توان کافی فکر کردن را نداشته و در سیاست و حکمرانی آنها کسی خلل ایجاد نمی کند و هر چیزی به یمن زور مصرف کننده به حساب می آید. یعنی این حکمرانان در چند سال اخیر با تلاشهای پیاپی دومین رتبه ی جهان را برایمان



تدارک دیده اند و این اسناد به حدود ۴۰۰۰۰۰۰ معتاد در ایران رسیده است که فقط شامل مصرف کنندگان حرفه ای مواد مخدر می شود.

افراد سر خورده در ایران که به دام اعتیاد افتاده اند با توجه به گزارشات تهیه شده از آنها حاکی از آن است که:

در حقیقت بیکاری یکی از عوامل اصلی گرایش افراد به مواد مخدر است و در جامعه ای همچون ایران که آمار فقر، روز به روز رو به افزایش است در

وزر مطابق میلشان حرکت می کند. حکومت ایران خود می داند که اعتیاد مقوله ای است که افکار و اندیشه های متفاوت را به خاموشی می کشاند و هم این حکومت است که جامعه ایران را به لجن کشیده است؛ لذا طبق آمار در جهان ایران دومین کشور است که بیشترین مواد مخدر را مصرف می کنند.

البته این گزارش به استناد گزارشات ستاد مبارزه با مواد مخدر در ایران منتشر شده است و ایران در جهان دومین کشور

معمولاً کسانی که به دام اعتیاد می افتند همیشه درگیری های فکری با خود دارند و سرچشمه این درگیریها می تواند تاثیرات جامعه طبقاتی باشد؛ لذا کسانی که در این دام گرفتار میشوند نمی توانند در زمینه مشخصی استقلال فکری داشته باشند و راه پیشرفت را در هیچ زمینه ای در خود نمی بینند و غالباً در خانواده های فقیر بیشتر رشد می کند.

رشد فقر در جامعه نشان از آن است که سیستم حاکم توانایی یا تمایل به برآورده ساختن خواسته های عموم را ندارد و اینچنین قشرهای متفاوت با نبود معیشت کافی و نبود هیچ سرگرمی آرامش از آنها گرفته می شود و برای رهایی از این وضعیت به سوی پرتگاه نابودی گام بر می دارند و خود به خود سیستم حاکم برای سر پوش گذاشتن بر این خلاء بساط اعتیاد را برای تمام اقشار جامعه تدارک دیده و سرکوبگران حاکم آنچنان ملت خود را به زانو در می آورند که توانایی حرکت کردن را نداشته باشند.

آری حکومت ایران کاملاً برنامه ریزی شده از تمام اقشار جامعه انسانهای بی استخوانی می سازد که حتی قادر به حرکت و جنبش نباشند و با به فلج در آوردن ملت خود می داند که



از سایت کمیته

مبارزه برای

آزادی زندانیان

سیاسی دیدن

کنید

<http://cfppi.blogspot.com/>

## ادامه نامه دبیر ...

از صفحه ۱

بازداشت همسرش را به فدراسیون رسانده است از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه و از همه سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و مدافعین حقوق بشر خواسته است به هر شکلی که شده تلاش کنند جلو اخراج همسرش را به ایران بگیرند چون در صورت بازگرداندن ایمان به ایران این خطر وجود دارد که از سوی دستگاههای قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و مورد مجازات سنگین قرار بگیرد.

برطبق اطلاعاتی که به دفتر مرکزی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی رسیده است، ایمان پیرداده از هنگامی که

بازداشت شده است در تلاش بوده تا با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آنکارا تماس بگیرد و از این سازمان درخواست پناهندگی کند. اما پلیس شهر از میر که ایمان پیرداده در آن در بازداشت بسر می برد از تماس و درخواست پناهندگی وی از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل جلوگیری به عمل آورده و به او گفته اند جزء بازگشت به ایران هیچ راه حل دیگری ندارد.

متأسفانه تجربه تاکنونی سازمان ما در دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی در ترکیه نشان می دهد که پلیس آن کشور در بسیاری از مواقع متقاضیان پناهندگی را به ایران دبیرت کرده یا سالها در زندان زیر شکنجه نگاه داشته شده اند و یا از سوی

دستگاههای قضائی جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده اند. این یکی از نگرانی های همسر ایمان پیرداده در کشور نوژ و بستگان آنهاست.

از این جهت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه میخواهد که برطبق مسئولیت و اختیاراتی که در قبال جان و زندگی پناهندگان دارد در اسرع وقت برای جلوگیری از استرداد پیمان پیرداده به ایران اقدام کند. همان طور که پیشتر اشاره شد ایمان هم اکنون در کمپ مولای (Molai) در شهر از میر ترکیه بسر می برد. نه ایمان پیرداده و نه هیچ پناهنده دیگری نباید به ایران بازگردانده شود. برای اینکه در ایران یک مشت آخوند حاکمیت می کنند که در

تمدن و دستگاه فکری آنها هیچ نشانی از رعایت حقوق بشر وجود ندارد. بسیاری از قوانین کشور بر اساس قانون مجازات اسلامی بنا شده است.

به همین دلیل در اجرای قوانین اسلامی در هر موردی که باشد بسیار ظالمانه عمل می کنند. زندانهای جمهوری اسلامی مملو از فعالین سیاسی است و هر هفته شماری از آنها را به جوخه اعدام می سپارند.

شکنجه زندانیان سیاسی از فعالین اتحادیه ای، تا رهبران دانشجویی، از ویلاک نویسان تا خبرنگار و روزنامه نگاران و وکلای مدافع متهمین و هر کس که ادعای عدالت خواهی و حقوق بشر کند جان و زندگی شان در ایران با خطر جدی مواجه می شود. اقلیت

های مذهبی و جنسی در ا در بسیاری از موارد با مجازات مرگ مواجه می شوند. بنا به همین دلیل و برطبق معیارهای جهانی برای رعایت حقوق بشر و بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ به نام ملل-هرکس که در نتیجه جنگ، عقیده، فعالیت مذهبی، حزبی، سیاسی و مسأیلی از این دست در معرض بازداشت و شکنجه و زندان و تهدید جانی و مجازات مرگ قرار بگیرد، باید از تمام حقوق کامل یک پناهنده برخوردار باشد. ایمان پیرداده نیز یکی از این موارد است که لازم است از تمام این حقوق برخوردار شود.

عبدالله اسدی

دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

## ادامه از امر خصوصی

...

از صفحه ۸

نهاد و دستگاه اعم از رسانه ملی، رسانهها، حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت کشور، قوه قضائیه و نیروی انتظامی وظیفه توجه به این مقوله را دارند و این موضوع همچنان زمینه ای برای چالش و برخورد میان مردم و حاکمان باقی مانده است.

اکنون سخت گیری در مبارزه با بدحجابی تا آنجا پیش رفته که احمدرضا رادان، رئیس پلیس تهران، بدحجابان را افرادی دانسته است که می خواهند عرصه را برای دیگران تنگ کنند. او گفته است: "زمانی بدحجابها در جامعه احساس

می کردند محیط برای آنان بسیار کوچک است، اما همین عده قلیل بدپوششها با



سوء استفاده از غفلت جامعه، می خواهند عرصه را برای متدینین و بانوان محجبه

یا در خارج از کشور هم درباره نوع پوشش به آنان تذکر داد، شکل جدیدتری به خود گرفته است. با این نگاه، می توان انتظار داشت که ورود نهادهای قدرت به حریم های شخصی تر زنان هر روز بیشتر شود و به این ترتیب می توان پیش بینی کرد که این حد از دخالت در حوزه خصوصی برای زنان که همچنان جزو اقشار ضعیف نگهداشته شده و حاشیه ای به حساب می آیند، خطرناک باشد و زمینه را برای سرکوب هر چه بیشتر آنها در طرح مطالباتشان فراهم کند.

**ادامه گفتگو نشریه  
همبستگی ...  
از صفحه ۱**

عبدالله اسدی: من اینطور فکر نمی‌کنم. مبنای تشکیل سازمانی که من در آن فعالیت می‌کنم اساساً دفاع از حقوق انسان است. اگر قدرت دنیا دست ما بود اجازه نمی‌دادیم یک متقاضی پناهندگی حتی برای یک ماه هم بوده منتظر صدور اجازه اقامت بماند. اجازه نمی‌دادیم هیچ پناهنجویی بدلیل عبور "غیرقانونی" از مرز حتی به مدت یک شب بازداشت شود. اجازه نمی‌دادیم کودکان پناهجو سالها به دور از والدینشان زندگی کنند.

پناهجویان هم مثل بقیه مردم دنیا حق آسایش و زندگی انسانی دارند و برای همین است که کشور خود را ترک می‌کنند و از کشور دیگری درخواست پناهندگی می‌کنند. آنها محل زندگی خود را برای زندگی بهتر و حتی در بسیاری از موارد برای حفظ بقا و ادامه حیات محل زندگی خود را ترک می‌کنند؛ بنابراین اساس کار ما دفاع از حقوق انسان است.

نباید اجازه بدهیم انسانها مستقل از اینکه به چه مذهب و دینی منتسب می‌شوند دارای کدام باور سیاسی و کدام جنسیت و گرایش جنسی هستند، حقوق انسانیشان پایمال شود. بهر حال بستگی به این دارد آنهایی که این طور قضاوت می‌کنند خود کسانی باشند تا دیروز فعال این عرصه بوده یا

مردم عادی، از چه زاویه ای به قضیه نگاه می‌کنند و آن را چگونه می‌بینند. آنهایی که اینطور در مورد پناهجویان قضاوت می‌کنند از دریچه ای کوچک و محدود نگرانه به این موضوع نگاه می‌کنند.

معلوم است همانطور که در میان مردم بومی یک کشور آدمها دارای رفتار و فرهنگ و اخلاقیات متفاوت هستند؛ در میان انسان هایی که به هر دلیلی آواره و خانه به دوش شده اند و آنها را پناهجو می‌نامند رفتار و فرهنگ و اخلاقیات متفاوت وجود دارد. این نوع قضاوت ها در میان بخشهای کوچکی از مردم همیشه وجود دارد و تمامی هم ندارد.

برای مثال مغازه داری که بسیاری از امور کاری و زندگی اش از طریق بکارگرفتن متقاضیان پناهندگی خصوصا کار سیاه و پرداخت دست مزد پایین می‌گذرد و هر از چند ماهی یک نفر را اخراج می‌کند و یکی دیگر را بکار می‌گیرد، بسیار طبیعی است اینطور در مورد پناهندگان قضاوت کند. در بعضی اوقات حتی اتهام دزدی و غیره به پناجویان زده می‌شود. بحث من این نیست که بگوییم به هیچ کدام از پناهجویان ایرادی وارد نیست. ممکن است در مواردی این اتفاق هم افتاده باشد و بازمی‌افتد و تکرار می‌شود. روزی هزار اتفاق در جامعه می‌افتد و دزدی های بسیار بزرگ صورت می‌گیرد و هیچ ربطی هم به پناهجویان ندارد. من

کورکورانه به این موضوع نگاه نمی‌کنم و حتی به عنوان یک مدافع حقوق پناهندگان از پناهجویان فاصله می‌گیرم و از منظر یک شخص بی طرف به این قضیه نگاه نمی‌کنم. از نظر من هیچ نوع منطقی پشت این قضاوت ها وجود ندارد.

من بازم از این مثال استفاده می‌کنم همانطور که در میان مردم بومی یک کشور جرم و جنایت دزدی و غیره وجود دارد در میان قشر پناهجو هم همین مسایل وجود دارد به همین دلیل جدا کردن پناهجویان و تعمیم دادن مسایلی از این قبیل بسیار یک جانبه و کلی و کوچک و تنگ نظرانه است.

تا آنجایی که به فعالین قدیمی می‌برمی‌گردد که گویا تجربه تلخی در این مورد دارند این هم به این شوری نیست اما این ذهنیت وجود دارد. ولی در میان آنها بحث اساساً طور دیگری است. بسیاری از آنها بدلیل سنگینی حجم این کار نتوانسته اند بیشتر از این ادامه دهند و اکنون هر کدام به فعالیت های دیگری مشغول هستند و این طور هم در مورد پناهجویان قضاوت نمی‌کنند. درست است که اکنون بسیاری از آنها موضوع فعالیتشان مستقیماً کار در عرصه پناهندگی نیست ولی حتی یک ذره از موضع خود در دفاع از حقوق پناهندگی به عنوان یک امر انسانی کوتاه نمی‌آیند. مواردی هم بوده افرادی و جریاناتی به طور رسمی و بعضاً به صورت مستقیم مبادرت به ایجاد یک تشکل پناهندگی کرده

اند می‌بینید که بعد از شش ماه هیچ اثری از آنها باقی نمانده است و یک سره دود شده و به هوا رفته است. بخاطر اینکه اساساً ماهیت و پتانسیل این کار را نداشته اند اگر هم در دوره هایی در صدد ایجاد تشکلی بوده اند بیشتر از سر منفعت طلبی شخصی و گروهی و گاهی اوقات در رقابت با فدراسیون بوده است.

اگر واقعا کسی بخواهد خالصانه و بدون هر نوع چشم داشتی با پناهجویان کار کند آن وقت متوجه می‌شود که کار با پناهجو نه تنها آسان نیست بلکه کار هر کسی هم نیست. کسانی که با قشر پناهجو کار می‌کنند باید از ظرفیت های سیاسی و اجتماعی و در عین حال متانت و صبر و حوصله بالایی برخوردار باشند.

همانطور که گفتم فعالیت با متقاضیان پناهندگی کار ساده ای نیست دلیلش هم روشن است: این گروه از مردم یعنی پناهجویان، دستشان به هیچ چیز در کشورهایی که بسر می‌برند بند نیست، ضعیف ترین حلقه جامعه هستند، همیشه نیم بیشتر آنها پرونده بسته هستند و به طور "غیرقانونی" زندگی می‌کنند و هر کدام در طول یک ماه چندین بار با فعالین و مدافعین حقوق پناهندگی تماس می‌گیرند و از آنها می‌خواهند در این زمینه کمکشان کنند و به طور شخصی در پرونده آنها دخالت نمایند. روزی نیست از دور و نزدیک صدای گریه چند نفر را نشنوی که دو سال و یا سه

سال و یا بیشتر در ترکیه و بسیاری از شهرهای مختلف جهان پناهنده شده اند و یا بلا تکلیف هستند و یا اینکه به درخواست پناهندگیشان پاسخ رد گرفته و همه راه حل های حقوقی را از آنها بسته اند. علاوه بر این، این وضعیت در چند نفر و چند صد نفر هم خلاصه نمی‌شود تعداد پناهجویانی که به طور غیر قانونی زندگی می‌کنند بسیار زیاد و باور نکردنی است. این موضوع برای ما فقط جنبه سیاسی و مبارزاتی ندارد بار عاطفی و انسانی زیادی نیز به همراه دارد.

همانطور که یک خانواده پناهجو در اثر فعالیت ما اقامت می‌گیرند چقدر احساس غرور و خوشحالی به ما دست می‌دهد، وقتی هم که آخرین پاسخ منفی شان را می‌گیرند و به آنها حکم ترک خاک می‌دهند و به قصد اخراج به کشورشان آنها را بازداشت می‌کنند به همان اندازه تاثیرات منفی بر روح و

ادامه در صفحه ۱۲

**تماس با فدراسیون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی**

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۶۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

[asadiabe@gmail.com](mailto:asadiabe@gmail.com)

[abe.asadi@localnet.net](mailto:abe.asadi@localnet.net)



**ادامه گفتگو نشر به همبستگی**  
...  
از صفحه ۱۱

پناهندگی پولهای هنگفتی به جیب می زنند و موارد زیادی وجود دارد که هیچ گشایشی هم در زندگی آنها ایجاد نمی کنند.

در ترکیه و بسیاری از کشورهای جهان که روی آوری مردم به مذهب بشدت کاهش پیدا کرده است، کلیساها هم به منبعی برای سودجویی و فرصت طلبی مذهب و رواج مسیحیت از طریق به اصطلاح کمک به متقاضیان پناهندگی تبدیل شده اند.

اما فعالیت فدراسیون برای پناهجویان دارای هیچ قید و شرطی نیست. از موقعیت نابرابر پناهجویان سو استفاده نمی کند و کسی را بکاری مجبور نمی کند؛ با نهایت دلسوزی به عنوان یک امر انسانی به آنها کمک می کند. فدراسیون ظرفی است برای مبارزه پناهجویان و دفاع آنها از حق و حقوق انسانی خود. به همین دلیل باید تحول عظیمی در میان پناهجویان به این سمت ایجاد شود تا صف قدرتمندی در مقابل این وضعیت ایجاد کنیم و دست مذهب و سودجویان و فرصت طلبان را از زندگی متقاضیان پناهندگی کوتاه کنیم.

در اینجا برمی گردم به مثالی که در ابتدای این گفتگو زدم. همان طوری که مثال برخورد یک مغازه دار به پناهجویانی که هر چند ماه یکبار بکارشان می گیرد و بعد از چند ماه از کار اخراجشان می کنند و پشت سرشان در محافل مختلف حرف می زنند و به خرابکاری و

بسیاری مسایل دیگر متهمشان می کنند و یا کسانی که بر سر اجاره منزلشان به یک پناهجو، با آنها تنش پیدا می کنند بدون اینکه در یک مرجع حقوقی و بی طرف به این موضوع رسیدگی شده باشد، همه آنها به نادرست مورد قضاوت قرار می گیرند. از نظر من این نوع قضاوت عادلانه نیست. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از این فرهنگ ها هزاران قدم فاصله دارد.

همبستگی: می گویند پناهجویان همین که خرخشان از پل گذشت دیگر کاری به کسی ندارند شما این را چطور قضاوت می کنید؟

عبدالله اسدی: اتفاقا بحث ما در همینجاست؛ این بحثها را همان جریانات و گروههایی مطرح می کنند که از سر منفعت شخصی و گروهیشان دست به چنین اقدامی می زنند وقتی که اقداماتشان نمی گیرد و منفعتشان را برآورده نمی کند همه چیز را زیر سؤال می برند. من در سازمانی فعالیت می کنم که از ۲۵ سال پیش تا به امروز به پهنای جهان از حقوق پناهجویان مستقل از مذهب، نژاد، قومیت، باور سیاسی و جنسیت و گرایش جنسیتی به عنوان انسان بدون قید و شرط و بدون کوچک ترین تردیدی از حقوق انسانی پناهندگان دفاع کرده است. ما در عین اینکه همیشه پناهجویان را برای دفاع از حقوق پناهندگیشان به مبارزه متشکل و سازمان یافته در صف مبارزه این سازمان دعوت

کرده ایم، ولی به هیچوجه دفاع از حقوق آنها را منوط به عضویت و فعالیت همیشگی با فدراسیون نکرده ایم. فلسفه فعالیت در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تغییر در زندگی انسانهایی است که به دلیل جنگ و نا امنی و اختناق و سرکوب سیاسی، جان و آزادیشان به مخاطره می افتد و مجبور به ترک کشور و محل زندگی خود می شوند. بنا براین اعتقاد من این است خطری که اتفاقا متقاضیان پناهندگی را تهدید می کند روی همین پل است و باید با تمام توان و با کمک و مشارکت خودشان خرخشان را هدایت کنید تا از آن پل وحشتناک بگذرد و خودشان و خانواده هایشان با موفقیت به مقصد برسند.

همبستگی: شما خودت از این نوع فعالیت ها خسته نشده اید؟ عبدالله اسدی: چرا ولی این نوع فعالیت ها هم خستگی ایجاد می کند و هم شادابی، و گر نه گاهی اوقات انسان از نفس می افتد. برای من بسیار سخت است که روزانه نمی رسم به تمام تلفنهای فدراسیون مرکزی پاسخ بدهم ولی مجبور شده ام خود را به آن عادت بدهم چون من مسئولیت یک سازمان را به عهده دارم که ۱۰-۲۰ تا عرصه کاری دیگر دارد و من باید به عرصه های دیگر از وظایفم نیز برسم. فدراسیون هم اکنون در حال اقداماتی است که بتواند عرصه های مختلف کار و فعالیت خود را آسانتر کند و این به یک سازمان دهی و تقسیم

کار لازم بر مبنای شرایط سختی که از آن صحبت کردم احتیاج دارد و هم اکنون در صدد اجرای آن هستیم.

همبستگی: می توانید خیلی کوتاه به رئوس اقداماتی که در صدد اجرا و بهبود آن هستید اشاره کنید؟

عبدالله اسدی: ایجاد تحول در امر مشاوره با متقاضیان پناهندگی به اشکال گوناگون و موثر، انتشار منظم هر دو هفته یک بار نشریه همبستگی، ایجاد تحول در سایت فدراسیون و معرفی مسئولین عرصه های مختلف، اعلام دفتر نمایندگی فدراسیون در چند شهر و کشور، تنظیم ساعت کار دفتر مرکزی و آرایش رهبری بالای فدراسیون و بالا بردن تحرك فدراسیون از طریق مبارزه خیابانی و صدور اطلاعاتیه و ایجاد پیوند و ارتباط با جریانات دیگر مدافع حقوق پناهندگی در کشورهای محل اقامت در هر جا که ممکن باشد و غیره از جمله اقداماتی است که در دستور فوری کار فدراسیون قرار دارد.

\*\*\*\*\*

**سرنگون باد  
حکومت  
جنایت  
اسلامی**